

جمال الدین وزیر (جواد) اصفهانی و خدمات عمرانی وی در حرمین شریفین

احمد خامه یار*

چکیده:

میقات حج

جمال الدین وزیر اصفهانی معروف به «جواد»، از وزرای آل زنگی موصل، در نیمه سده ششم هجری است که در دوره وزارت خود، خدمات عمرانی فراوانی در حرمین شریفین از خود به جای گذاشت. در بخش اول این نوشتار، زندگی نامه اجمالی وی بیان گشته و ویژگی‌ها و ابعاد برجسته سیرت وی؛ از جمله خدمات اجتماعی او و مدح و ستایش وی از سوی شاعران معاصرش بررسی و به احوال فرزندش جلال الدین علی نیز اشاره شده است. همچنین در این بخش جزئیات انتقال جنازه جواد اصفهانی از موصل به حرمین و به خاک سپاری وی در مقبره اش در مدینه منوره به تفصیل بیان شده است. در بخش دوم مقاله نیز با استناد به منابع معتبر تاریخی، اقدامات عمرانی وی در دو شهر مکه و مدینه و نیز منا و عرفات تشریح گشته است تا بدین ترتیب نقش وی در بازسازی حرمین شریفین، به عنوان یکی از شخصیت‌های ایرانی صاحب منصب، تبیین و واکاوی شود.

واژگان کلیدی: جواد اصفهانی، حرمین شریفین، مکه، مدینه، عرفات، خدمات عمرانی و اجتماعی

اماکن مقدس اسلامی در حرمین شریفین به ویژه مسجدالحرام و مسجدالنبی، از دیر باز محل توجه و اهتمام بسیاری از حاکمان و صاحب‌منصبان بوده است و شماری از آنها تلاش کرده‌اند هر یک به نوبه خود سهمی در بازسازی آثار دینی و مساجد متبرکه داشته باشند. در این میان، برخی از صاحب‌منصبان ایرانی نیز به ویژه در سده‌های میانی، اقداماتی در این راستا داشته‌اند، که از آن جمله می‌توان به بازسازی گنبد ائمهٔ بقیع علیهم‌السلام به دست مجدالملک براوستانی قمی (متوفای ۴۹۲) اشاره کرد.

صاحب‌منصب ایرانی دیگری که نقش بسیار برجسته‌ای در بازسازی اماکن و مساجد مقدس در حرمین شریفین و دیگر خدمات عمرانی در این سرزمین داشته، جمال‌الدین وزیر اصفهانی، معروف به جواد بوده است. او در دستگاه خاندان آل زنگی در موصل خدمت می‌کرد و نزدیک به دو دهه، منصب وزارت سیف‌الدین غازی و پس از وی قطب‌الدین مودود، فرزندان عمادالدین زنگی بن آقسنقر را برعهده داشت. او به نیکوکاری و جود و بخشش فراوان خود شهرت داشت و خدمات اجتماعی و عمرانی وی زبانزد بود.

مهم‌ترین تحقیقاتی که دربارهٔ جمال‌الدین اصفهانی در زبان فارسی انجام شده، شامل مقاله‌ای منتشر شده در مجله وقف میراث جاویدان (کسائی، ۱۳۷۶: ۵۶-۶۳)، و دو مدخل به نام وی در دانشنامه جهان اسلام (ج ۱۱) و دائرة المعارف بزرگ اسلامی (ج ۱۸) است. آقای رسول جعفریان نیز در گوشه‌ای از تحقیقات خود، به اجمال به خدمات وی در حرمین شریفین اشاره کرده است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۲۸ و ۱۴۳-۱۴۴).

در این نوشتار، ضمن ارائه زندگی‌نامهٔ اجمالی جمال‌الدین و بررسی ابعاد مختلف آن، از جمله خدمات عمرانی و اجتماعی وی، مدح شاعران معاصرش در حق وی و نیز جزئیات انتقال جنازه و خاک‌سپاری او در حرمین شریفین، به تفصیل خدمات عمرانی وی در مکهٔ مکرمه، مدینهٔ منوره، منا و عرفات را با استناد به منابع معتبر تاریخی، تشریح و واکاوی خواهیم کرد.

۱. زندگی‌نامهٔ جواد اصفهانی

نام و نسب وی را محمد بن علی بن ابی‌منصور گفته‌اند. کنیه‌اش «ابوجعفر»، لقبش «جمال‌الدین» بود و به «جواد» شهرت داشت (ابن خلکان، ج ۵، ص ۱۴۳، بی‌تا). پدر بزرگ وی ابو منصور، «فهاد» (نگهبان سگ‌های شکاری) دربار ملک‌شاه سلجوقی (حکومت، صص ۴۶۸-۴۶۵) بود (اصفهانی، ص ۱۹۲، ۱۹۰). ابن خلکان، همانجا). پدرش علی نیز اهل

اصفهان و حاجب شمس الملک بن نظام الملک، وزیر سلطان محمد سلجوقی (حکومت: صص ۵۱۱-۴۹۸) و ملقب به کامل بود (اصفهانی، همانجا).

جمال الدین، نخست تحت تربیت پدرش قرار گرفت و در دوره سلطان محمود بن محمد بن ملک شاه (حک: ۵۲۵-۵۱۱) عهده دار «دیوان عرض» گردید. او پس از تأسیس حکومت اتابکان زنگی، به عمادالدین زنگی (حکومت، صص ۵۴۱-۵۲۲) پیوست و در زمره خواص و نزدیکان وی درآمد؛ تا جایی که از سوی اتابک زنگی والی نصیبین و رجه و سپس ناظر دیوان وی شد و در این مدت مال و مکتبی یافت (اصفهانی، همانجا؛ ابن خلکان، همانجا).

پس از قتل عمادالدین زنگی در سال ۵۴۱ق. برخی از سربازان خواستند جمال الدین را نیز به قتل برسانند و اموالش را غارت کنند؛ اما برخی از امرا او را حمایت کردند (ابن خلکان، ج ۵، ص ۱۴۴). او نیز به موصل رفت و در آنجا سیف الدین غازی (حکومت، ۵۴۴-۵۴۱) جانشین و فرزند عمادالدین زنگی، وی را وزیر خود گردانید (اصفهانی، ص ۱۹۳؛ ابن خلکان، همانجا).

جمال الدین وزیر، در این دوره قدرت و ثروت بسیار به دست آورد و از آن رو که در مدت وزارت خود، بذل و بخشش فراوان می کرد، به «جواد» شهرت یافت (ابن خلکان، همانجا). او در دوره امارت قطب الدین مودود (حکومت، ص ۵۶۴-۵۴۴)، جانشین و برادر سیف الدین غازی، همچنان در مسند وزارت باقی ماند. تا اینکه در سال ۵۵۸ق. قطب الدین مودود بر وی خشم گرفت و به زندانش افکند و او در زندان درگذشت (ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۳۰۶، ۱۹۷۹م.؛ ابن خلکان، ج ۵، ص ۱۴۵).

سبط ابن جوزی (متوفای ۶۵۴)، ماجرای دستگیر شدن وی را چنین شرح داده است که پس از فزونی جود و بخشش جواد و فراگیر شدن احسان و نیکی وی، برخی به او حسادت ورزیدند و نزد قطب الدین مودود بر او دروغ بستند و گفتند: او اموال تو را دریافت می کند و با آنها صدقه می دهد. اما قطب الدین به علت دوستی و رابطه حسنه میان جواد و زین الدین علی کوچک (متوفای ۵۶۳)، حاکم شهر اربیل^۱ نمی توانست او را

۱. شهر «اربیل» کنونی و مرکز استانی به همین نام در منطقه کردستان عراق.

دستگیر کند. لذا کسی را مأمور کرد که میان آنها دشمنی ایجاد کند و پس از اینکه زین الدین کوچک بر جواد خشم گرفت، قطب الدین او را دستگیر و در قلعه موصل زندانی کرد، (سبط ابن جوزی، ج ۲۱، ص ۴۹، ۲۰۱۳ م.).

به گفته ابن خلکان (متوفای ۶۸۱)، علت دستگیری جواد، افزایش نفوذ و املاک وی بود که بر مودود گران آمده بود، (ابن خلکان، همانجا). البته شاید بتوان روایت سبط ابن جوزی و ابن خلکان را با یکدیگر چنین جمع کرد که افزایش نفوذ جواد باعث هراس مودود شده بود و با سعایت حاسدان از جواد، بهانه مناسب برای دستگیر و زندانی کردن وی فراهم شد.

گفتنی است با توجه به اینکه جواد اصفهانی بیشتر عمر خود را در موصل زیسته، در شماری از منابع تاریخی، به ویژه منابع فارسی، از وی با عنوان «جمال الدین موصلی» یاد شده است (از جمله: رازی قزوینی، ص ۵۸۰، ۱۳۹۱؛ ابن جبیر، ص ۱۷۳، بی تا) و عبدالجلیل رازی قزوینی (همانجا) به نیکنامی و شهرت وی در تزئین مسجد الحرام و مسجد النبی اشاره کرده است.

میقات

خدمات اجتماعی و عمرانی جواد اصفهانی

جواد اصفهانی خدمات اجتماعی و عمرانی فراوانی داشته است که مورخان نمونه‌هایی از آن را نقل کرده‌اند و جود و بخشش فراوانش را ستوده‌اند. ابن اثیر (متوفای ۶۳۰) در بیان ویژگی‌های کلی سیره وی می‌گوید:

«كان رحمة الله أسخي الناس و أكثرهم عطاءً و بذلاً للئال، رحيماً بالناس متعظفاً عليهم، عادلاً فيهم»، (ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۳۰۷، ۱۹۷۹؛ همو، ص ۱۲۸، ۱۹۶۳).

سبط ابن جوزی نیز درباره جود و بخشش وی نوشته است:

«وكانت صدقاته وصلاته في المشرق والمغرب، يبعث بها إلى خراسان والعراق والبصرة والكوفة و بغداد و الشام و مصر و الحجاز و اليمن، فيعمم الفقهاء والعلماء والزهاد و أرباب البيوت و غيرهم، و ما خيب رجاء من قصده، وكان له في كل يوم - خارجاً عن أرباب الرواتب - مئة دينار يتصدق بها على باب بيته.» (سبط ابن جوزی، ج ۲۱، ص ۴۸، ۲۰۱۳ م.).

به گفته ابن اثیر، در دوره وزیر جواد، موصل به پناهگاه و مقصدی تبدیل شد که مردم از سرزمین‌های مختلف به قصد دیدنش به آنجا می‌آمدند. محبوب‌ترین کار برای او، صدقه دادن بود و او بر خود و خانواده‌اش سخت می‌گرفت تا بتواند صدقه بدهد، (ابن اثیر، ص ۱۲۹، ۱۹۶۳ م.). صدقه‌ها و کمک‌های او، از سرزمین‌های دوردست خراسان تا مرزهای یمن را شامل می‌شد. او هر سال تنها از شام به مبلغ ده هزار دینار اسیران را خریداری می‌کرد؛ و این غیر از مبلغی بود که از کرج خریداری می‌کرد (ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۳۰۹، ۱۹۷۹ م.).

ابن اثیر می‌افزاید: او روزانه صد دینار را بر در خانه خود به فقرا و درویش صدقه می‌داد و این غیر از تعهدات وی نسبت به صالحان و علمای بزرگ و رؤسای خاندان‌ها بود. او به علما و مشایخ صوفیه نیز کمک می‌کرد و زمانی که ابن خجندی رییس شافعیان اصفهان و ابن کافی قاضی القضاات همدان به دیدار وی آمده بودند، به آنها مبلغ فراوانی برایشان اختصاص داد، (ابن اثیر، ص ۱۲۹، ۱۹۶۳ م؛ همو، ج ۱۱، ص ۳۰۸، ۱۹۷۹ م.).

جمال‌الدین اصفهانی، علاوه بر آثار عمرانی خود در حرمین شریفین که به تفصیل در بخش دوم این مقاله بررسی خواهد شد، آثار و بناهای فراوانی نیز در منطقه جزیره (در شمال عراق) از خود باقی گذاشت؛ از جمله در شهرهای موصل، سنجار و نصیبین، رباط‌هایی ساخت و بر رود «اریار» نزدیک «جزیره ابن عمر» پلی ساخت و پل دیگری نیز با استفاده از مصالح سنگ و آهن و سرب، نزدیک همین شهر بر روی دجله ساخت که آن را از عجایب معماری به شمار می‌آوردند. اما قبل از اینکه ساخت این پل به پایان برسد، او دستگیر و زندانی شد (ابن اثیر، ص ۱۲۹، ۱۹۶۳ م.).

جواد اصفهانی ممدوح شاعران

جواد اصفهانی ممدوح تعدادی از شاعران زمان خود قرار گرفت. از شعرای مشهوری که وی را مدح گفته‌اند، حیص بیص شاعر است که قصیده‌ای با مطلع زیر در مدح او سروده است (اصفهانی، ص ۱۹۳):

يا لِلصَّوَارِمِ وَالرَّماحِ الدُّبَلِ نَصراً وَمَنْ أَنْجَدْتُمَا لَمْ يُحَدَلِ

او در جایی از این قصیده، به خدمات جواد اصفهانی در حریم اشاره می‌کند:

وَتَقَرَّرُ عَيْنُ مُحَمَّدٍ بِمُحَمَّدٍ مُحْيِي دَرِيسَى شَرَعَهُ وَالْمَنْزِلِ
مِعْمَارِ مَرْقَدِهِ، وَحَافِظِ دِينِهِ وَ مُعِينِ أُمَّتِهِ بِجُودِ مُسْبِلِ
خِرْقٍ يُنَاطُ قَمِيصَهُ وَرِدَاؤُهُ بَعْبَابِ زَخَّارٍ وَهَضْبَةِ يَذْبُلِ

ادیب و شاعر مشهور دیگر، عماد اصفهانی است که در اوایل شاعری خود، قصیده‌ای در مدح جواد سروده و بخشی از قصیده وی چنین است (اصفهانی، ص ۱۹۴):

أظنهم وقد عزموا ارتحالا ثنوا عنا جمالا لا جمالا
سروا والصبح مبيض الحواشي فلما حال عهد الوصل
أخلائي وهل في الناس خل به أخلى من الأحزان بالا
لئن لم أشف صدري من حسودي و لم أذق العدا داء عضالا
فلا أدركت من أدبي مرادا ولا صادفت من حسبي منالا
و لا وخذت إليكم بي جمال و لا واليت مولانا الجمالا...
و قائلة أفي الدنيا كريم سواه فقلت لا و أبي العلا لا

محمد بن نصر بن صغیر قیسرانی، شاعر دیگری است که جواد اصفهانی را با قصیده‌ای به مطلع زیر مدح گفته است، (ابن خلکان، ۱۴۴/۵):

سقي الله بالزوراء من جانب الغربي مهأ وردت عين الحياة من القلب

از دیگر مباحان جواد اصفهانی، یکی از نقبای سادات موصل به نام ابوالقاسم مرتضی بن محمد بن زید بن محمد بن محمد بن زید بن احمد بن محمد بن محمد بن عییدالله موصلی (متوفای ۶۰۱) بود که اشعار زیر را در مدح وی سروده بود (ابن ساعی، ص ۱۷۲):

جلال‌الدین مولانا‌الوزیر مناقبه محبرة تسیر
وَمَنْ كَفَاهُ تَحْيِي كُلِّ مَيْتٍ وَتَحْمِيهِ إِذَا عَزَّ النَّصِيرُ
وَمَنْ يَعْطِي الْكَثِيرَ بِلَا سَوْأَلٍ وَتَتَّبِعُهُ الْبِشَاشَةُ وَالسَّرُورُ
وَمَنْ أَغْنَتْ مَوَاهِبَهُ الْبِرَايَا وَأَوْسَعَهُمْ فُلَيْسَ يَرِي فَقِيرُ

شاعر دیگری به نام ابن معلّم نیز در زمان دستگیر شدن وی سروده است، (سبط ابن جوزی، ج ۲۱، ص ۴۹):

إِن يَعزَلُوكَ لِمَعْرُوفٍ سَمَحْتَ بِهِ عَلَى ذَوِي الْأَرْضِ ذَاتِ الْعَرَضِ وَالطُّولِ
فَأَنْتَ يَا وَاحِدَ الدُّنْيَا وَسَيِّدَهَا بِذَلِكَ الْجُودِ فِيهَا غَيْرُ مَعزُولِ

اما از این میان، شاعر بلندآوازه ایرانی، خاقانی شروانی، مثنوی مشهور خود «ختم الغرایب»، معروف به تحفة الحرمين را که در سال ۵۵۱ق. سروده، به جمال‌الدین پیشکش نموده و در مقاله ششم از این مثنوی، ابیات فراوانی در مدح وی سروده و در ستایش وی بسیار مبالغه کرده است.

او در مقدمهٔ مثنوی کتاب خود، از جواد با چنین عباراتی یاد کرده است: «حضرت صاحب‌اجل، عالم عدل، صدر مؤید، مظفر مقتدی، ولی النعم فی الشرق والغرب، جمال الدولة والدين، نظام الاسلام والمسلمين، سيد الوزراء الراشدين، صدر العرب والعجم، صاحب القرآن فی الامم، نایب خلیفة الله علی خلقه، مربی بیت الله ومراعی حرم رسوله، ذوالمنصب، عظم الله شأنه واعلی مكانه»، (خاقانی شروانی، ص ۱۱).

سپس در ضمن اشعاری که در مدح وی سروده، در جایی می‌گوید (همو، ص ۱۹۰):
ای در خطِ حکمِ تو خطرناکِ پرگارِ سپهر و نقطه خاک
بر دستِ تو ای محمد احسان شیطانِ نیاز شد مسلمان
از جودِ تو در جهانِ او مید کان در سفر است، همچو خورشید
وز دستِ تو زیر پای دانا در موج زن است همچو دریا
بر بیضه عدل شهر یاری در روضه فضل نوبهاری

وفات و دفن جواد اصفهانی

جواد اصفهانی در سال ۵۵۹ق. در گذشت و پیکرش را در موصل، نزدیک «فتح کاری»^۱ به خاک سپردند، (ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۳۰۶، ۱۹۷۹م.). به گفتهٔ ابن خلکان، روز تشییع

۱. فتح بن سعید موصلی (متوفای ۲۲۰ق)، که با انتساب به روستای «کار» (واقع در شرق موصل نزدیک دجله)، به فتح

جنازه وی در موصل، از شدت ناله و زاری ضعیفان و یتیمان و زنان ارمله، روز «مشهود» و شناخته شده‌ای بود، (ابن خلکان، ج ۵، ص ۱۴۵). پس از یک سال، در سال ۵۶۰ ق. بنا بر وصیت وی، جنازه‌اش را به مدینه انتقال دادند و در مقبره اختصاصی‌اش دفن کردند، (ابن اثیر، ج ۱۱، صص ۳۰۷-۳۰۶، ۱۹۷۹ م.).

اسدالدین شیرکوه (متوفای ۵۶۴)، عموی صلاح‌الدین ایوبی، هزینه انتقال تابوت وی به مدینه را تأمین کرد و چند تن از صوفیان را اجرت داد تا به نیابت از وی حج بگذارند و چند نفر دیگر را مأمور کرد که در طول مسیر حمل تابوت، برای وی قرآن بخوانند و به هر شهری برسند، مردم را به نماز خواندن بر جنازه وی فرا بخوانند، (ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۳۰۷، ۱۹۷۹ م.؛ همو، ص ۱۲۷، ۱۹۶۳ م.). به گفته ابن اثیر، در شهرهای تکریت، بغداد، حله، فید، مکه و مدینه بر جنازه وی نماز خوانده شد، (ابن اثیر، همانجا، ۱۹۷۹ م.).

سبط ابن جوزی از وارد کردن تابوت وی به کوفه (نجف) و طواف دادن آن در دو حرم امام علی و امام حسین علیهما السلام (در نجف و کربلا) سخن گفته است، (سبط ابن جوزی، ص ۱۵۵، ۱۹۰۷ م.؛ فاسی، ج ۲، ص ۲۱۵، ۱۹۸۶ م.) و افزوده است: زمانی که تابوت او را به بغداد بردند، همه اهل بغداد؛ به ویژه کسانی که جوادی به آنها نیکی کرده بود، برای نماز خواندن بر وی گرد آمدند و بر او گریستند، (سبط ابن جوزی، ج ۲۱، ص ۵۰، ۲۰۱۳ م.؛ فاسی، ج ۲، ص ۲۱۵).

همچنین به گفته ابن اثیر، زمانی که تابوت را به حله آوردند و مردم برای نماز خواندن بر او گرد آمدند، جوانی بر بالای یک بلندی رفت و با صدای بلند شعر زیر را قرائت کرد (ابن اثیر، همانجا، ۱۹۷۹ م.؛ همانجا، ۱۹۶۳ م.):^۱

یمرّ علی الوادی فتثنی رماله علیّه، وبالنادی فتبکی أرامله

سری تعشه فوق الرقاب وطالما سری جوده فوق الرقاب ونائله

جوادی اصفهانی در زمان حیات دستور داده بود که از در قدیمی‌تر کعبه (که به

کاری نیز شناخته می‌شود (ر.ک: حموی، ۱۹۷۷: ۴/۴۲۸)، از صوفیان مشهور قرون اولیه و معاصر بشر حافی و سری سقطی است و احوالش در منابع تصوف آمده است.

۱. سبط ابن جوزی (۵۰/۲۱) محل این ماجرا را کوفه ذکر کرده است. اما به گفته ابن خلکان (۱۴۶/۵)، این شعر را کسی که تابوت وی را در زمان وارد کردن به حرم مطهر نبوی در مدینه همراهی می‌کرد، قرائت کرد.

دستور خود وی با در جدیدتری تعویض شده بود) برایش تابوتی بسازند. او پیش از وفات خود وصیت کرد تا پس از مرگش، او را در همین تابوت قرار داده و به گرد کعبه طواف دهند (ابن جبیر، ص ۱۰۳).

پس از ورود جنازه وی به حجاز، آن را بالای کوه عرفات بردند. سپس آن را به منا بردند و شترهایی را برای وی قربانی کردند؛ سپس جنازه را به مکه بردند (سبط ابن جوزی، ج ۲۱، ص ۵۰؛ فاسی، ج ۲، ص ۲۱۶). گویند زمانی که تابوت وی را وارد مکه کردند، جمعیت مردمی که گریه کنان به استقبال آن آمده بودند، چنان زیاد بود که مانند آن روز را سراغ نداشتند. در طول روزهایی که جنازه در مکه بود، آن را روزی چند بار اطراف کعبه طواف می دادند، (ابن خلکان، ج ۵، ص ۱۴۵). در پایان، جنازه را به مدینه منتقل کردند و پس از چند بار طواف به گرد حجره پیامبر ﷺ، آن را به خاک سپردند، (سبط ابن جوزی، همانجا؛ ابن خلکان، همانجا؛ فاسی، همانجا).

ابن خلکان محل دفن جنازه جواد اصفهانی را قبرستان بقیع ذکر کرده، اما این قول نمی تواند درست باشد؛ زیرا به گفته ابن اثیر و سایر منابع، او را در مقبره ای که به سفارش خود او در زمان حیات در کنار رباط وی ساخته بودند، به خاک سپردند (ابن اثیر، همانجا، ۱۹۷۹؛ سبط ابن جوزی، ج ۲۱، صص ۵۰ - ۴۹؛ فاسی، همانجا).

به گفته ابن جبیر (متوفای ۶۱۴)، مقبره جواد اصفهانی مقابل حجره قبر پیامبر ﷺ قرار داشت و به علت خدمات فراوان وی در مدینه، برایش این استثنا را قائل شدند که در دیوار مقبره، پنجره ای به سوی روضه پیامبر ﷺ گشوده شود، (ابن جبیر، همانجا).

جلال الدین علی فرزند جواد اصفهانی

جواد اصفهانی، فرزندی به نام جلال الدین ابوالحسن علی داشت که به گفته ابن اثیر، «كان أحسن الناس صورةً ومعنيًا». او با دختر کمال الدین بن نیشان، وزیر حاکم شهر «آمد» ازدواج کرد. در ربیع الثانی سال ۵۷۱ق. در سن ۲۵ سالگی، به وزارت سیف الدین زنگی (حکومت، صص ۵۷۶ - ۵۶۵)، فرزند و جانشین قطب الدین مودود رسید. با اینکه مدت وزارت وی بیش از ۲ سال و چند ماه به درازا نکشید، در این مدت کوتاه چنان کردانی و کفایت از خود نشان داد که اعجاب و حیرت مردم را برانگیخت.

ابن اثیر در این باره می‌نویسد:

«فظهرت مِنْهُ كِفَايَةٌ لَمْ يُظَنَّهَا النَّاسُ وَبَدَأَ مِنْهُ مَعْرِفَةَ بَقْوَاعِدِ الدَّوَلِ وَأَوْضَاعِ الدَّوَاوِينِ وَتَقْرِيرِ الْأُمُورِ وَالْإِطْلَاعِ عَلَى دَقَائِقِ الْحِسَابَاتِ وَالْعِلْمِ بِصِنَاعَةِ الْكِتَابَةِ الْحِسَابِيَّةِ وَالْإِنْشَاءِ حَيَّرَتِ الْعُقُولَ وَوَضَعَ فِي كِتَابَةِ الْإِنْشَادِ وَضَعًا لَمْ يَعْرِفُوهُ وَكَانَ عَمْرُهُ حِينَ وُلِيَ الْوِزَارَةَ خَمْسًا وَعَشْرِينَ سَنَةً...» (ابن اثیر، ص ۱۷۷، ۱۹۶۳ م).

ابن خلکان نیز در وصف جلال‌الدین علی نوشته است که او ادیبی بلیغ و فاضلی کریم بود و دیوان رسائلش را مجدالدین ابوالسعادات مبارک بن محمد (برادر ابن اثیر جزری مورخ) که مدتی کاتب وی بود، گردآوری کرده و آن را «الجواهر واللاکی من الاملاء المولوی الوزیری الجلالی» نامیده بود؛ و مجدالدین در مقدمه این رسائل، جلال‌الدین را بسیار ستوده و فضایلش را نسبت به فصیحان پیش از وی برشمرده بود و از مکاتبات میان وی و حیص بیص شاعر یاد کرده بود، (ابن خلکان، ج ۵، ص ۱۴۶).

با وجود کفایت و شایستگی‌های شخصی که جلال‌الدین وزیر از آن برخوردار بود، با این حال در شعبان سال ۵۷۳ ق. مورد غضب اتابک واقع شد و محبوس گردید. کمال‌الدین بن نیشان، شفاعتش را کرد و او از زندان آزاد شد و به نزد وی رفت و مدتی در شهر «آمد» (دیاربکر کنونی) روزگار را به بیماری گذراند؛ سپس از آنجا مهاجرت کرد و پس از چندی در سال ۵۷۴ ق. در «دُنَيسَر»^۱ درگذشت. او را به موصل منتقل کردند و در آنجا به خاک سپردند، سپس جنازه‌اش را به همراه کاروان حاجیان به مدینه فرستادند و در کنار پدرش دفن کردند، (ابن اثیر، همانجا، ۱۹۶۳ م).

۲. خدمات عمرانی جواد اصفهانی در حرمین شریفین

آثار و خدمات عمرانی جواد در حرمین شریفین به صورت پراکنده در منابع عمومی تاریخ و تراجم و در تواریخ محلی مکه و مدینه بیان شده است. احتمالاً نخستین کسی که به خدمات وی اشاره کرده، جهانگرد مسلمان، ابن جبیر است که در سال ۵۷۹ ق. یعنی

۱. شهری نزدیک ماردین در جنوب ترکیه امروزی.

تنها بیست سال پس از درگذشت جواد اصفهانی، برای ادای مناسک حج در حرمین شریفین حضور یافته است. او که از جواد اصفهانی تنها با لقبش «جمال‌الدین» یاد می‌کند، ضمن شرح تفصیلی خدمات وی، در ستایشش می‌نویسد:

«این مرد - که خدایش بیامرزد! - چون صفنش جمال دین است؛ و در مکه و مدینه آثاری بزرگ و اقداماتی پسندیده و بناهایی جاویدان به خاطر خدا از خود به یادگار گذاشته است که هیچ یک از گذشتگان، چه از بزرگان خلفا و چه از وزرا، در این امر بر او پیشی نگرفته‌اند. او - که خدایش بیامرزد! - وزیر حاکم موصل بود و بیش از پانزده سال در تحقق این مقاصد ارزنده در حرم خدای تعالی و حرم پیامبرش - که درود و سلام خدا بر او باد! - که بهره‌اش به عموم مسلمانان می‌رسد، تلاش کرد و اموال فراوانی را در ساختن بناهایی در مکه در راه خدا و در راه‌های خیر و نیکی جاویدان هزینه کرد؛ از جمله بنای آب‌انبارها، و ایجاد آبگیرهایی در جاده‌ها برای جمع شدن آب باران، و بازسازی بخش‌هایی از دو حرم شریف (در مکه و مدینه)» (ابن جبیر، ص ۱۰۲).

اما نکته جالبی درباره‌ی وی که ابن جبیر بدان اشاره کرده، آن است که با وجود خدمات فراوان وی در حرمین شریفین، او در زمان حیات خود به حج نرفت (ابن جبیر، ص ۱۰۳). در ادامه به شرح آثار عمرانی و خدمات اجتماعی وی در مکه مکرمه، مدینه منوره، عرفات و منا می‌پردازیم:

آثار عمرانی وی در شهر مکه

جمال‌الدین اصفهانی در سال ۵۴۹ق. از طرف خود حاجبش را به مکه فرستاد تا با مبلغ پنج هزار درهم، خانه کعبه را از داخل و نیز ارکان آن را با پوششی از صفحات طلا و نقره آراسته کند (ابن فهد مکی، ج ۲، ص ۵۱۴، ۱۹۸۳م.).

به گفته ابن اثیر، او برای دریافت اجازه این اقدامات، برای خلیفه عباسی؛ المقتفی لامرالله (خلافت، صص ۵۵۵ - ۵۳۰) هدیه باارزشی فرستاد و برای امیر مکه، عیسی بن فلیته (امارت، صص ۵۵۶ - ۵۵۰) هدایای نفیس و فراوانی؛ از جمله یک عمامه به قیمت سیصد دینار، فرستاد (ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۳۰۸، ۱۹۷۹؛ همو، ص ۱۲۸، ۱۹۶۳م.).

ابن اثیر همچنین اشاره می‌کند که آنچه از تزیینات طلا و نقره تا سال ۶۰۹ق. در

کعبه باقی بوده، از آثار جواد اصفهانی است (ابن اثیر، همانجا، ۱۹۶۳ م.).

او همچنین در سال ۵۵۰ق. در خانه کعبه را بازسازی کرد و برای آن پوششی از نقره آب‌طلاکاری شده ساخت و نام المقتفی را بر آن نوشت (ابن فهد مکی، ج ۲، ص ۵۱۵). آستانه در کعبه را نیز با صفحه‌ای از طلا مزین نمود (ابن جبیر، ص ۱۰۳) و حجر اسماعیل را بازسازی کرد (ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۳۰۸، ۱۹۷۹ م.؛ سبط ابن جوزی، ج ۲۱، ص ۴۸، ۲۰۱۳؛ فاسی، ج ۲، ص ۲۱۳). ابن اثیر می‌گوید: نام جواد را بر حجر دیدم؛ اما در سال ۵۷۶ق. بازسازی و نامش محو گردید (ابن اثیر، ص ۱۲۸، ۱۹۶۳ م.).

جواد اصفهانی در سال ۵۵۰ یا ۵۵۱ق. همه و رودی‌های مسجد الحرام را بازسازی کرد (ابن فهد مکی، ج ۲، ص ۵۱۶) و بر ارتفاع عتبه آنها افزود (سبط ابن جوزی، ج ۲۱، ص ۴۸؛ فاسی، ج ۲، ص ۲۱۳). سپس در سال ۵۵۲ق. مناره «باب العمرة» (از درهای مسجد الحرام) را ساخت (ابن فهد مکی، ج ۲، ص ۵۱۷).

او همچنین گنبد «سقایة العباس» را از چوب ساخت که تا ۸۰۷ق. پابرجا بود و در آن سال تخریب و بازسازی شد (ابن فهد مکی، ج ۳، ص ۴۴۳).

افزون بر موارد فوق که به صورت پراکنده در منابع تاریخی ثبت شده است، مطری نوشته می‌نویسد: جمال‌الدین اصفهانی، «باب ابراهیم»، از درهای مسجد الحرام و نیز مناره‌های مسجد را بازسازی کرد و نامش بر روی در و مناره‌ها نوشته شده است، (مطری، ص ۳۶، ۱۴۰۲ق.). ابن جبیر نیز اشاره می‌کند که در زمان دیدار وی از مکه، یکی از دو حمام موجود در این شهر، که از حمام دیگر نیز بزرگ‌تر بوده، از آثار جمال‌الدین است (ابن جبیر، ص ۱۰۲).

آثار عمرانی در منا و عرفات

جواد اصفهانی در منا و عرفات نیز خدماتی از خود به یادگار گذاشت؛ از جمله با صرف اموال فراوان، مسجد خیف در منا را بازسازی کرد. او همچنین در بالای جبل‌الرحمه، مسجدی ساخت و با توجه به اینکه مردم در بالا رفتن از کوه، با مشقت و سختی مواجه بودند، پلکانی را از پایین تا بالای کوه ایجاد کرد، (ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۳۰۸، ۱۹۷۹ م.).

ابن جبیر دربارهٔ این اقدام وی نوشته است:

«بالا رفتن از کوه رحمت به سختی ممکن بود. جمال‌الدین با صرف اموال فراوانی، پله‌های عریضی را در چهار سمت کوه ایجاد کرد که با چارپایان از آنها بالا می‌رفتند.» (ابن جبیر، ص ۱۵۱).

اما مهم‌ترین اقدام وی در عرفات، ساخت آب‌انبارهایی بود که از منطقهٔ «نعمان»، به واسطهٔ قنات‌هایی در دل زمین، آب را به آنجا انتقال داد و هر سال در ایام عرفات، با باز کردن قنات‌ها آب در این آب‌انبارها جاری می‌گشت، (ابن اثیر، همانجا). او برای رساندن آب به عرفات، با اعراب بنی‌شعبه که ساکن مناطق محل عبور آب بودند، توافق نمود و برایشان مبلغی مقرر کرد تا آب را بر حجاج نیندند (ابن جبیر، ۱۰۲؛ ابن فهد مکی، ج ۲، ص ۵۱۸). اما آنها پس از وفات جواد اصفهانی به بستن آب ادامه دادند، (ابن جبیر، همانجا). ابن فهد تاریخ ساخت آب‌انبارها را سال ۵۵۱ یا ۵۵۲ ق. بیان کرده است (ابن فهد مکی، همانجا).

آثار عمرانسی در مدینه منوره

از مهم‌ترین اقدامات جواد اصفهانی در مدینه منوره، ساختن حصاری در گرداگرد شهر بود، (ابن اثیر، ص ۱۲۸، ۱۹۶۳ م.؛ همو، ج ۱۱، ص ۳۰۸، ۱۹۷۹ م.؛ ابن خلکان، ج ۵، ص ۱۴۴) که با دروازه‌های آهنی مستحکم گشته بود، (مطری، ص ۳۶). گفته می‌شود نخستین بار عضدالدوله دیلمی، حصاری برای مدینه ساخته بود که در گذر زمان از بین رفته بود و در زمان جواد اصفهانی، این شهر حصاری نداشت (ر.ک: سمهودی، ج ۳، صص ۱۰۸-۱۰۶، ۲۰۰۱ م.).

ابن جبیر از ساختن دو حصار برای مدینه به دست جواد اصفهانی و صرف هزینهٔ هنگفتی برای ساخت آن، سخن گفته است (ابن جبیر، ص ۱۰۳). اما به گفتهٔ مطری، حصاری که وزیر جواد ساخت، گرداگرد مسجدالنبی در فاصلهٔ کمی از آن بود؛ و پس از وی، نورالدین محمود بن زنگی (حکومت صص ۵۶۹ - ۵۴۱) در سفری که به مدینه داشت، با مشاهدهٔ اینکه مردم بسیاری در بیرون از حصار اقامت می‌کردند و به او از این وضعیت شکایت کردند، او در سال ۵۵۸ ق. حصار دیگری در گرداگرد شهر ساخت و نام خود را بر «باب البقیع» (از دروازه‌های این حصار) نوشت (مطری، ص ۳۶؛ سمهودی، ج ۳، صص ۱۰۷-۱۰۶).

اما سمهودی با استناد به متن کتیبهٔ نورالدین محمود بن زنگی بر درهای «باب

البقیع» می نویسد:

«این متن، دلالت بر ساخت حصار مدینه به دست نورالدین ندارد؛ بلکه با توجه به سخن ابن فرحون و نزدیکی زمان ساخت دو حصار، نتیجه گرفته است که نورالدین محمود، حصار جدیدی نساخته، بلکه تنها حصار جواد اصفهانی را تکمیل کرده است، (سمهودی، ج ۳، ص ۱۰۷).

تا پیش از ساختن حصار به دست جواد اصفهانی، این شهر همواره در معرض حملات و غارت‌های اعراب بادیه‌نشین بود و اهالی مدینه از شر آنان در سختی و مشقت بودند، (ابن اثیر، ص ۱۲۸، ۱۹۶۳ م.؛ سبط ابن جوزی، ج ۲۱، ص ۴۸) و در واقع این حصار، از شهر مدینه در برابر حملات آنها حفاظت می‌کرد. لذا به گفته ابن اثیر، پس از ساخت حصار، خطیب مدینه جواد اصفهانی را با این عبارت بر منبر دعا می‌کرد که: «اللهم صن حريم من صان حرم نبيك بالسور، محمد بن علي بن أبي منصور»؛ و سپس خود افزوده است: «اگر [وزیر جواد] تنها این فضیلت را داشت، این افتخار برایش کافی بود.» (ابن اثیر، همانجا).

ابن اثیر همچنین نقل کرده است: شخصی را در مدینه دیدم که پس از نماز جمعه بر جمال‌الدین رحمت فرستاد و او را دعا کرد. از او علت این کار را پرسیدم. گفت: هر کس در مدینه هست باید برای او دعا کند؛ زیرا ما از دست اعراب در سختی و مشقت بودیم. آنها برای ما چیزی نمی‌گذاشتند که با آن، بدن خود را پوشانیم و گرسنگی خود را برطرف سازیم. اما جواد برای ما حصاری ساخت که به وسیله آن، در برابر هر کس بدی ما را بخواهد حمایت شدیم؛ و از آن پس بی‌نیاز گشتیم، پس چگونه او را دعا نکنیم؟

از دیگر اقدامات جواد اصفهانی در مدینه، بازسازی بخش‌هایی از مسجدالنبی بود (ابن خلکان، ج ۵، ص ۱۴۴)؛ از جمله در سال ۵۴۸ ه.ق. پوشش سنگی حجره قبر پیامبر ﷺ را که از دوره متوکل باقی مانده بود، بازسازی کرد، (ابن نجار، ص ۴۱۴، ۲۰۰۶ م.). او در سال ۵۵۵ ه.ق. نیز مسجد قبا را که به گفته مطری، در آن زمان فرسوده و ویرانه شده بود، بازسازی کرد (مطری، ص ۴۷).

جمال‌الدین اصفهانی همچنین نزدیک مسجدالنبی رباطی ساخت تا پس از مرگ در آن دفن شود، (ابن اثیر، ج ۱۱، صص ۳۰۷-۳۰۶، ۱۹۷۹ م.؛ مطری، ص ۳۵). این رباط در مقابل «باب جبریل» (از درهای مسجدالنبی) قرار داشت و او آن را بر درویش عجم (ایرانی)

وقف کرده بود (مطری، همانجا). فاصله میان این رباط تا حجره قبر پیامبر ﷺ تنها ۱۵ ذراع (ابن اثیر، همانجا) یا به اندازه عرض خیابان (سبط ابن جوزی، ج ۲۱، ص ۵۰؛ فاسی، ج ۲، ص ۳۱۱) بوده است و چنانکه در همین مقاله گذشت، جنازه جواد را در مقبره اختصاصی وی در این رباط به خاک سپردند.

افزون بر آثار عمرانی جواد، به گفته ابن خلکان، او هرسال برای فقیران و درماندگان ساکن مدینه، اموال و لباس‌هایی را، به مقداری که برای یک سال آنها کافی باشد، می‌فرستاد (ابن خلکان، ج ۵، ص ۱۴۴).

نتیجه گیری

جمال‌الدین وزیر اصفهانی، از مهم‌ترین صاحب‌منصبان ایرانی در سده‌های میانی اسلامی است. او خدمات عمرانی بسیار و قابل ملاحظه‌ای در حرمین شریفین داشته است؛ از جمله اقدامات وی در راستای احیای مساجد و اماکن مقدس مسلمانان در دو شهر مقدس مسلمانان مکه مکرمه و مدینه منوره، شامل بازسازی و تزیین بخش‌هایی از مسجد الحرام و مسجد النبی و بازسازی مساجدی همچون مسجد قبا، مسجد خیف و مسجد واقع در بالای جبل الرحمه در عرفات بوده است. همچنین مهم‌ترین خدمات عمرانی وی در حجاز و حرمین، شامل ساختن حصاری در گرداگرد مدینه منوره، ساختن حمام عمومی در مکه، ایجاد پلکان برای جبل الرحمه و قنات‌های آب برای رساندن آب به حجاج بیت‌الله الحرام در عرفات بوده است.

بی‌تردید این اقدامات در کنار دیگر خدمات اجتماعی وی در سایر سرزمین‌های اسلامی، چنان تأثیر چشمگیری داشته است که بسیاری از شاعران معاصرش او را در اشعار خود ستوده و در وصف او مبالغه نموده‌اند. در صدر این شاعران می‌توان به خاقانی شروانی، شاعر مشهور فارسی زبان قرار داد. از میان شاعران عرب زبان نیز که در مدح وی اشعار و قصایدی سروده‌اند، می‌توان از حیص بیص، عماد اصفهانی، قیسرانی و نقیب سادات موصل یاد کرد.

صدقات و نیکوکاری‌های فراوان جواد اصفهانی و خدمات برجسته وی در حجاز

و دیگر مناطق، چنان مردم را به وی علاقه‌مند ساخته بود که پس از درگذشتش، مراسم تشییع جنازه‌اش در موصل و نیز مراسم انتقال تابوت حاوی رفات وی به حجاز، به باشکوه‌ترین شکل برگزار شد و مردم در شهرهای مختلف عراق و حجاز، در سوگ او گریستند؛ و سرانجام نیز او را در نزدیک‌ترین محل ممکن به حجره قبر پیامبر خدا ﷺ به خاک سپردند.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۹۶۳م)، التاریخ الباهر فی الدولة الاتابکیة (فی الموصل)، تحقیق: عبدالقادر احمد طلیمات، القاهرة، دار الکتب الحدیثة.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۹۷۹م)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
۳. ابن جبیر، محمد بن احمد (بی‌تا)، رحلة ابن جبیر، بیروت، دار صادر.
۴. ابن خلکان، احمد بن محمد (بی‌تا)، وفيات الاعیان وانباء ابناء الزمان، تحقیق: احسان عباس، بیروت، دار صادر.
۵. ابن ساعی، علی بن انجب بغدادی (۲۰۱۰م)، تاریخ ابن الساعی - الجزء التاسع، تحقیق: محمد عبدالله القدحان، عمّان، دار الفاروق، ط ۱.
۶. ابن فهد المکّی، عمر بن فهد (۱۹۸۳م)، اتحاف الوری بأخبار ام القرى، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، مکه المکرمه، مرکز البحث العلمی و احياء التراث الاسلامی فی جامعة ام القرى، ط ۱.
۷. ابن النجار، محمد بن محمود (۲۰۰۶م)، الدرّة الثمينة فی اخبار المدينة، تحقیق: صلاح‌الدین بن عباس شکر، مرکز بحوث ودراسات المدينة المنورة، ط ۱.
۸. اصفهانی، عمادالدین محمد بن محمد (۱۹۰۰م)، تاریخ دولة آل سلجوق، اختصار: فتح‌بن علی اصفهانی بنداری، القاهرة، شركة طبع الکتب العربية.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۸۹)، راه حج، تهران، زیتون سبز، چاپ ۱.
۱۰. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۷۷م)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.
۱۱. خاقانی شروانی، بدیل بن علی (۱۳۸۷)، تحفة العراقيين (ختم الغرایب)، به کوشش: علی صفری آق‌قلعه، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۱۲. رازی قزوینی، عبدالجلیل (۱۳۹۱)، بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض (معروف به: نقض)، تصحیح: میر جلال‌الدین محدث ارموی، به کوشش:

- محمد حسين درايٲى، قم: مؤسسه علمى فرهنگى دار الحديث، كتابخانه، موزه و مركز اسناد مجلس شورى اسلامى.
١٣. سبط ابن جوزى، يوسف بن قزاوغلى (٢٠١٣م)، مرآة الزمان فى تواريخ الاعيان، دمشق، دار الرسالة العالمية، ط ١.
١٤. سبط ابن جوزى، يوسف بن قزاوغلى (١٩٠٧)، مرآة الزمان فى تاريخ الاعيان (٤٩٥-٦٥٤ق)، چاپ فاكسيميله، Introduction: James Richard Jewett, Chicago, The University of Chicago Press.
١٥. سمهودى، نورالدين على بن عبدالله (٢٠٠١م)، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، تحقيق: قاسم السامرائى، مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامى، ط ١.
١٦. فاسى، تقى الدين محمد بن احمد (١٩٨٦م)، العقد الثمين فى تاريخ البلد الامين، تحقيق: فؤاد سيد، بيروت، مؤسسة الرسالة، ط ٢.
١٧. كساى، سيد نورالله (١٣٧٦)، «جمال الدين اصفهانى وزير نيكو كار عصر سلجوقى»، وقف ميراث جاويدان، شماره ١٩-٢٠، پاييز و زمستان.
١٨. مطرى، محمد بن احمد (١٤٠٢ق)، التعريف بما آنت الهجرة من معالم دار الهجرة، المدينة المنورة، المكتبة العلمية.